



sara.jamejamonline.ir

## مردان بی‌مسئولیت شده‌اند یا زندگی سخت شده؟

«آمارها نشان می‌دهد، میزان مسئولیت‌پذیری مردان در تأمین معاش خانواده کاسته شده است.» این جمله را فهیمه فرهنگ‌دیور، مشاور وزیر کشور در امور بانوان و خانواده بیان کرده و در ادامه گفته که باورهای دینی و باور به مبنای حقوق‌شرعی برای ما بسیار مهم است.

«آمارها نشان می‌دهد، میزان مسئولیت‌پذیری مردان در تأمین معاش خانواده کاسته شده است.» این جمله را فهیمه فرهنگ‌دیور، مشاور وزیر کشور در امور بانوان و خانواده بیان کرده و در ادامه گفته که باورهای دینی و باور به مبنای حقوق‌شرعی مهم است. **جام جم سرا: او افزوده: «آنچه که در باورهای حقوقی و قانون شرع و مدنی کشور ما وجود دارد، این است که زنان تکلیف تأمین امرارمعاش خانواده‌ها را ندارند و آنها براساس قانون و حکم شرعی و مدنی نباید دغدغه اقتصادی داشته باشند.»** گفته‌های فرهنگ‌دیور به گمان بسیاری از خانم‌های امروزی درست است و آنها مردان را نسبت به گذشته بی‌مسئولیت‌تر و تنبل‌تر می‌دانند که مهم‌ترین علت آن هم مربوط به شاغل‌بودن زنان در جامعه می‌شود. برای این‌که نظر شهروندان را در این باره بدانیم با چند شهروند متاهل در این زمینه گفت‌وگو کردیم.

«مریم» ۳۲ ساله است، ۵ سال از زندگی مشترکش می‌گذرد و کارمند است. او درخصوص کاهش میزان مسئولیت‌پذیری مردان در تأمین معاش خانواده می‌گوید: «قدیم‌ترها، زمانی که ما نسل جوان امروز، بچه بودیم، کار کردن خانم‌ها خیلی کمتر از آن چیزی بود که امروز شاهدش هستیم؛ خیلی مرسوم نبود که خانم‌های متاهل سرکار بروند. بیشتر مادران ما حتی اگر تحصیل‌کرده هم بودند، بعد از ازدواج در خانه می‌ماندند، بچه‌دار می‌شدند و به تربیت فرزندان می‌پرداختند؛ در آن زمان حتی وقتی درآمد مرد خانواده کفاف خرج زندگی را نمی‌داد، این پدرها بودند که سراغ شغل دوم می‌رفتند. ولی امروز وضع فرق کرده؛ دختران بیشتر به سمت ادامه تحصیل گرایش پیدا کرده و طبیعتاً زمینه کار آنها هم در جامعه فراهم شده است؛ در زندگی شهری اکثر دختران قبل از این‌که ازدواج کنند شاغل می‌شوند و بعد از ازدواج هم کمتر پیش می‌آید که همسران مخالف کار کردن زنان باشند؛ پسرها در بیشتر موارد نه تنها مخالفتی با کار کردن زنان ندارند بلکه از این قضیه استقبال هم می‌کنند؛ حتی اگر زنان در مخارج خانه هم دخیل نباشند، درآمد آنها می‌تواند یک پشتوانه مالی برای زندگی به حساب آید و برای روز مباداهای زیاد مثل خرید خانه، خودرو یا هدف‌های دیگر پس‌انداز شود. به نظر من، موضوعی که امروز در بحث مسئولیت‌های فردی و اجتماعی مطرح می‌شود، به همین ماجرا برمی‌گردد؛ مردان تنبل شده‌اند و مسئولیت‌پذیری آنها در قبال خانه و خانواده کمتر شده است. البته اگر منصفانه نگاه کنیم، این مسأله را نمی‌توان به اکثریت زوج‌های ایرانی (یا دست‌کم شهرنشینان) نسبت داد؛ با این حال این وابستگی به درآمد زنان و بی‌مسئولیت شدن مردان در تأمین مخارج زندگی به اندازه‌ای است که بتوانیم به‌عنوان یک مسأله اجتماعی از آن نام ببریم.

علت بروز این پدیده را می‌توان از جهات مختلفی دید؛ از یک طرف خانم‌ها اغلب شاغل هستند و درآمد ثابتی دارند، پس مردان ناخودآگاه روی این درآمد حساب می‌کنند و حتی اگر شغل مناسب با درآمد کافی هم نداشته باشند، خود را به زحمت نمی‌اندازند تا سراغ شغل دوم بروند یا شغل بهتری پیدا کنند.

از طرف دیگر اما زندگی شهری این روزگار چنان انرژی‌ای از آدم می‌گیرد که نمی‌توان چندان توقع داشت مردها بتوانند بیشتر کار کنند تا درآمدشان بیشتر شود. وضع اشتغال در کشور ما هم نیازی به توضیح ندارد. هرکسی در هر کاری که باشد دودستی آن را می‌چسبد و تمام وقت و انرژی‌اش را صرف درست انجام دادن آن می‌کند. با این حال هیچ توجیهی از مسئولیت‌های مرد به‌عنوان نان‌آور خانواده نمی‌کاهد.»

«مهناز» ۳۹ ساله است و طی ۱۰ سال زندگی مشترکش هزینه‌های مربوط به خود را از درآمد شخصی‌اش می‌دهد. او می‌گوید: «در حال حاضر بر خلاف چیزی که در گذشته جریان داشت، تعداد بیشتری از خانم‌ها شاغل هستند. با توجه به این‌که در فرهنگ عمومی ما مرد این را حق خود می‌داند که به زن بگوید سر کار نرود، الان به شکلی موضوع سر کار رفتن زن‌ها از سوی مردها تبدیل به نوعی گروکشی شده است. یعنی مرد به همسر خود می‌گوید اگر می‌خواهی سر کار بروی باید بخشی از درآمد خود را برای زندگی مشترک هزینه کنی پس به این ترتیب این انتظار خود به خود در مردها ایجاد شده که اگر این اجازه را به زن‌ها می‌دهند که سر کار بروند، پس باید درآمد زن‌ها به هزینه‌های زندگی اختصاص پیدا کند درحالی‌که در گذشته فرض بر این بود که تأمین هزینه‌های خانواده برعهده مرد است. هرچند همسر من درحال حاضر چنین انتظاری از من ندارد اما با توجه به این‌که من دارای درآمد مستقلی هستم، هزینه‌های جاری خودم را شخصاً تأمین می‌کنم، مثلاً هزینه‌های مربوط به آرایشگاه، کیف، کفش، لباس و کلاس‌های آزاد یا اقساطی که دارم. من در حالی این هزینه‌ها را از درآمد خودم پرداخت می‌کنم که شاید

باید نیمی از درآمد همسر را به خود اختصاص می‌دادم، البته هنوز همسر من به سطحی از بی‌مسئولیتی در تامین هزینه‌های خانواده نرسیده است اما شاید اگر این سیر ادامه پیدا کند، شاهد چنین اتفاقی باشم.»

برای این‌که یک‌طرفه به قاضی نرفته باشیم، با یکی از مردهای متاهل هم گفت‌وگو کردیم. «محمود» که ۱۲ سال است ازدواج کرده و همسر شاغل دارد، می‌گوید: «در این مدت هم در خانه خودم و هم دوست و آشنا این اتفاق افتاده که نقش زنان در درآمد مالی به نحوی پررنگ‌تر شده است. حتی دیدگاه خود زنان هم تغییر کرده. اگر قبلاً تأمین هزینه‌های خانه اولویت اول نبود، بعد از ازدواج جزو اولویت‌های اول، دوم شده است. این نگاه از دیدگاه سنتی که مرد نان‌آور خانه است، بیرون آمده و افراد خانواده و پدر و بچه‌ها هم آن را امری عادی می‌دانند. البته یک جاهایی خلأ نبودن زنان در خانه پیدا می‌شود، اما این هم امری است که دارد پذیرفته می‌شود. این‌که بخواهیم بگوییم خوب یا بد است، چون دارد پدیده‌ای فراگیر می‌شود، هم نکته‌های مثبت و هم منفی دارد. یک‌جور تغییر است که قطعاً چالش‌ها و بازخوردهایی دارد که اوایل بیشتر آثار منفی دارد. گاهی در ارتباط بین زن و شوهری که تازه ازدواج کرده‌اند، خودش را نشان می‌دهد. مثلاً ممکن است خیلی‌ها هنوز با این قضیه مشکل داشته باشند که همسرشان با همکار مرد کار کند. گاهی خیلی از مشکلاتی هم که بین زن و شوهرها پیش می‌آید به این موضوع برمی‌گردد. این اتفاق و اتفاق‌های دیگری که می‌افتد، آن سیستم کلاسیک خانواده را متحول می‌کند و خواه ناخواه حالتی که زن باید آتش خانه را گرم نگه دارد، از بین می‌رود. نتیجه‌اش این است که با هم بودن‌ها کمتر می‌شود و شکل سر سفره نشستن‌ها کاملاً عوض می‌شود. حتی به دلیل اشتغال و کمبود وقت، غذا هم از بیرون تهیه می‌شود. اینها اتفاق‌هایی است که به‌خاطر این می‌افتد که مادر خانواده می‌خواهد مستقل باشد. اما یک بخش زیادی از پررنگ‌شدن نقش زنان در تأمین مالی خانواده به مشکلات اقتصادی برمی‌گردد که جدای از حرکتی که جامعه ما از کلاسیک بودن به مدرن شدن دارد، تأثیر دارد. مشکلات اقتصادی که خانواده‌ها با آن درگیرند، باعث می‌شود زن هم به‌عنوان یک نیروی جانبی کنار مرد کار کند. ولی فکر می‌کنم جدای از همه اینها یک چیزی که خیلی مهم است، حس بودن برای زنان است. آنها می‌خواهند بودن خودشان را نشان دهند، هم به همسر، هم به خانواده و هم به جامعه.

نقشی که زن‌ها قبلاً داشتند، نقشی حاشیه‌ای بود که در خیلی از ضرب‌المثل‌ها یا گفته‌ها یا کلمات قصارمان هم داریم که زن در حد تدارک‌چی برای مرد بود. فکر می‌کنم زن‌های امروزی دیگر این را قبول ندارند و می‌خواهند از نقش دوم بیرون بیایند. ضمن این‌که می‌خواهند با نقش‌شان در اقتصاد خانواده اعتماد به‌نفس‌شان را بالاتر ببرند چراکه به‌عنوان یک فاکتور مهم در روابط اجتماعی به حساب می‌آید. اما نسل جوان ما خواه‌ناخواه از طریق نسل قبلی دیدگاه‌هایی سنتی دارند و قطعاً یک مقاومت‌هایی در این بین هست. ولی اگر جامعه را به‌عنوان روح پویا و سیال در نظر بگیریم، می‌بینیم که کار خودش را انجام می‌دهد و این حرکت پیش می‌رود و مثل خیلی از جریان‌های قبلی زمانی می‌رسد که کاملاً پذیرفته می‌شود.» (شهروند)